

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

Arts & Music

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

هنر و موسیقی

یونس نگاه  
۱۶ جون ۲۰۲۴



یونس نگاه

## زیبائی همکاری



در این کنسرت الهه سرور دختر بامیانی یا غزنی‌چی یا دایکندی‌والی بود که آوازهای محلی‌اش را در استیج بین‌المللی در همکاری با هنرمندان منطقه و جهان می‌خواند. هنرمندان افغان، پاکستانی/هندی، ایرانی و اروپائی احتمالاً روزها تمرین و همکاری کرده اند و آهنگ‌های محلی را با طعم منطقه‌ئی و جهانی عرضه نموده‌اند. طبله‌نواز هندی/پاکستانی، کمپوزر و فلوت نواز ایرانی، گیتار نواز شاید ایتالیائی، عودنواز ترک/ایرانی و دمبوره نواز وطنی با الهه جان این کنسرت را تولید کرده‌اند. کاش یک رباب‌نواز وطنی هم می‌بود. همکاری انسان‌ها زندگی را زیبا می‌سازد. دیگر این‌که الهه آهنگ‌های هزارگی را خواند که محتوای تنظیمی و قومی ندارند بلکه از دغدغه‌های عمیق‌تر انسانی برخاسته‌اند. لهجه و خاستگاه این سرودها فرهنگ هزاره اند ولی همزاد لندی‌های پشتو، دوبیتی‌های هراتی، و فلک‌های بدخشی می‌باشند: "رفیق جان سه گنای مه سه خطای مه/ ده ای آغیل نمئی سر رای مه."

دوم این که محتوای بیت‌ها و اشعار این مجموعه آن بخش فلکلور هزاره را برجسته ساخته است که فارغ از رنگ دین و مذهب از زبان شاعران و آوازخوانان محلی جوشیده‌اند. مخاطب آهنگ‌ها خود آدم‌هاست نه آسمان و بزرگان و برتران معنوی/سیاسی/مذهبی. در این گروه از سرودها مردم از عشق، اندوه، روابط و ارزش‌های صاف بشری خود سخن می‌گویند. به رفیق جان، آبی جان، آتی جان، بولی جان، مامی جان و دیگر عزیزان خود خطاب می‌کنند. به یک کلام سرودهای سکیولار و دمکراتیک همین‌طور چیزها می‌شود.

سوم این استیج از امراض تحمیلی بازار و سرمایه هم خبر نیست. دیکور ساده است، لباس‌ها و تزئینات طبیعی و غیرتبلیغاتی اند. نه در پوشیدگی تحمیلی دیده می‌شود و نه در برهنگی افراط بازاری و مصرف‌گرایی.

چهارم این که هنرمندان هزاره با فرهنگ عصری به استیج آمده اند. الهه جان آواز می‌خواند و می‌رقصد، زهرا خانم نیز می‌رقصد. در بخشی از برنامه مردی با دسته گل به الهه جان نزدیک می‌شود (شاید از آقارش باشد و شاید هم نباشد) و او را با مهر به بغل می‌گیرد و دسته گلی را تقدیمش می‌کند. بغل‌کشی مرد و زن هزاره روی استیج کار مدرن و خوب است و حکایت از حرکت این مردم به مسیر زندگی غیرقبیله‌ئی دارد. خوشبختانه این رفتارهای خوب و آموزنده با واکنش منفی مردم عادی و مخاطبانی که بیماری افراطیت ندارند نیز مواجه نمی‌شود.

برای من اما مهم‌ترین بخش کنسرت آهنگ "کاکلای تو" است. آهنگ زیبایی با لهجه کابلی. آدم چطور می‌تواند آواز خوان باشد، استیجی به آن خوبی در اختیار داشته باشد و از کابلش نخواند. مگر می‌شود؟ الهه خوانده است:

"نشد کابل بیایم، ده پاهایت بمیرم

نشد از پشت مرزها در آغوش بگیرم

یکی فریاد کرده، یکی ولی خاموش است

یکی تاجر دین و یکی خدا فروش است

هاااای خدا فروشان

مادر

وطن

خونم فروشند!

ولی عاشق به فکر بوسیدن صدای تو

دلم اوشده پشت کاکلا، کاکلای تو"

یاد کردن عزیزانی که در کابل مانده اند، عزیزانی را که نمی‌توانید از پشت مرزها به آغوش بگیرید، به نمایندگی شما مهاجران کار نیکی است. بیان حال کابل زیبای ما که در آن کسانی فریاد می‌کشند، کسانی خاموشند، کسانی خدا و مادر و وطن و خون می‌فروشند، وظیفه هنرمند است. الهه جان این وظیفه را انجام داده است.

نکته آخر این که صدای الهه خانم به گوش من بسیار شیرین است. از گذشته‌ها آوازش را تعقیب می‌کرده‌ام. این بار بسیار از این کنسرتش لذت بردم. خانه‌ات آباد الهه سرور.